

مارک بوٹ



تاریخ مقدس

فرشتگان، عارفان و هوش برتر چگونه جهان ما را ساختند



برگردان: دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

(عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

The Sacred History

By Mark Booth

Atria books

New york, 2014

تهران - ۱۳۹۸

فهرست مطالب

۷ درباره نویسنده
۹ پیش‌گفتار
۱۷ مقدمه: رؤیای عرفانی
۲۳ شب‌نم به نرمی می‌بارد: آفرینش
۳۰ مادر زمین و پدر زمان
۳۵ زن - عنکبوت طلسم می‌بافد
۴۱ ایزیس و راز تناسب کامل
۴۸ عشاق ایزدی و همسران فرشته‌گون
۵۷ اودین و نظریه فرشته‌ای تکامل
۶۸ داستان حلقه‌گرانبها
۷۵ مردان قدرتمند، مردان معروف
۸۵ خدایان به شکل انسان درمی‌آیند برای کمک
۹۳ اورفه، ابوالهول و قفل زمان‌دار
۱۰۶ توفان بزرگ و آب‌های فراموشی
۱۱۱ راما و سیتا: عشاق جنگل

- ۱۲۱ زرتشت، کریشنا، سپیدبرفی و هفت دوشیزه.
- ۱۳۰ گیل‌گمش و اکسیر جاودانگی.
- ۱۳۷ داستان بودا.
- ۱۴۷ سقراط و دایمون او.
- ۱۶۱ مسیح جهان‌درون را بیدار می‌کند.
- ۱۷۸ خورشید نیمه‌شب.
- ۱۹۰ عصر معجزات.
- ۲۰۲ شارلمانی و جنگاوران درد.
- ۲۱۱ پرسپوال خود را ابله جلوه می‌دهد.
- ۲۲۱ قصه‌های هزار و یک شب.
- ۲۳۶ فرانسیس قدیس اناجیل را جدی می‌گیرد.
- ۲۴۵ شیوه‌نویس عشق‌ورزی عربی [ابن عربی].
- ۲۵۸ دانته، سلحشوران معبد و جاده‌کمر سفرکرده.
- ۲۷۰ کریستیان رُزنکروتس و زایش یوگا.
- ۲۸۲ ژاندارک و کلید در کوچک.
- ۲۹۴ پریان عصاره‌ما را خواهان‌اند.
- ۳۰۶ پاراسلسوس و اسرار شفابخشی معنوی.
- ۳۱۸ پینه‌دوز شیوه دیگری برای دانستن در پیش می‌گیرد.
- ۳۳۲ شکسپیر و رُزیکروسی‌ها.
- ۳۴۸ داستان‌های فراطبیعی در عصر علم.
- ۳۶۲ ناپلئون: آهنربای بزرگ عصر خویش.
- ۳۷۰ آبراهام لینکلن و پرنادیت.
- ۳۸۴ نواب شگفت‌انگیز.
- ۳۹۹ راز بزرگ این جهان.
- ۴۰۸ داستان حیات پس از مرگ.
- ۴۱۶ یونگ و دایمون او.
- ۴۲۵ فاطیما و رازهای فرشته‌نگهبان.

۴۳۶	هیتلر و فرشتگان مجارستان
۴۴۳	بدون آن چیزی وجود ندارد
۴۵۶	لورنا بیرن و عرفان در زندگی روزمره
۴۶۷	نتیجه گیری
۴۷۵	سپاسگزاری
۴۷۷	کتاب نامه برگزیده
۴۸۵	نمایه

شب‌نم به نرمی می‌بارد: آفرینش ...

در آغاز نه زمان بود، نه فضا، نه ماده - فقط ظلمت بود. دانشمندان و عارفان دربارهٔ این زمان تقریباً چیزی برای گفتن ندارند. از هر طریق که بنگری، تقریباً ناممکن است چیزی دربارهٔ این ظلمت کشف کنیم یا حتی عبارتی پیدا کنیم که آغازی برای توصیف آن باشد. اما آنجا که دانشمندان مدعی‌اند که این چیزی بیش از هیچ نبوده، مؤمنان معتقدند که این حداقل اندیشهٔ بارورِ خداوند بوده است. از این منظرِ اختلاف، هر دو نگرش باید بپذیرند که دربارهٔ این موضوع، آنها تقریباً چیزی نمی‌دانند و اینکه بحث‌های دوران‌ساز در پی داشت - تفتیش عقاید، آزارها، زندانی‌ها، شکنجه‌ها، اعدام‌ها و جنگ‌هایی که تا اعصار مدرن نیز ادامه یافت.^۱ اگر جانب هر کدام از این دو نگرش را بگیریم، یک چیز برای همه مسلم است و آن این است که برای آنکه به جایگاه امروز برسیم، باید انتقال از حالت بی‌مادگی به حالتی را که در آن ماده آغاز شد، در نظر بگیریم. دانشمندان نظریه‌هایی عرضه کرده‌اند تا این انتقال خیلی رازآمیز را توضیح دهند، مثلاً نظریهٔ بیگ بنگ (انفجار بزرگ) نیز هست که می‌گوید ماده و فضا و زمان همه یکباره به وجود آمدند و از یک بی‌بُعدی واحد و نقطهٔ

۱. مناقشهٔ بزرگ قرن بیستم را نبرد میان کمونیسم و نیروهای دهری از یک سو و مردم‌سالاری مسیحی و دین‌سالاری مثلاً تبت از دیگر سو می‌توان دید.

بی‌زمان به نام «انفراد» شکل گرفتند. اما ماده چه به صورت دایم چه در یک انفجار سریع پدید آمده باشد، یعنی سرعت این فرآیند هرچه باشد، اگر شما، دو چشم فیزیکی در آنجا بودید و می‌توانستید این رویدادها را با قوی‌ترین میکروسکوپ‌ها ببینید، نخست ذرات ریز و انتزاعی زیراتمی را می‌دیدید که تکامل یافته و به شکل اتم درمی‌آمدند. کیهان با ماده به شکل یک مه رقیق اشباع می‌شد.

شاید به یادتان بیاید که در بچگی چیز عجیبی را حس کرده‌اید و آن وقتی بود که کلهٔ سحر پیدا می‌شد و به باغ دویدید و دیدید که شب‌نم با چه سرعتی از هوای رقیق روی همه چیز می‌نشست. حتی اگر چنین به نظر می‌رسید که گویی تمام شب باران نباریده بود، اشعهٔ اولیهٔ آفتاب چمنزاری را آشکار می‌کرد که قطره‌های آب بر آن می‌پاشید. در سنت عرفانی یهود، شب‌نم عرفانی آفرینش‌گاهی چنین پنداشته می‌شود که گویی از یال بلند و عظیم خدا به نرمی فرو می‌ریزد.^۱

یا شاید شما به یاد آورید آن تعجبی را که در آزمایشگاه شیمی به شما دست داد و آن هنگامی بود که شما در بین محرزق‌های بانسن^۲ و میله‌های نوک تیز لوله‌های آزمایش، کریستال‌هایی را با شکل‌های زیبا می‌دیدید که در یک محلول پدید می‌آمد، گویی عقایدی بودند از بعد دیگری که در بُعد مادی فشرده شدند. اگر شما یک شخص معتقد باشید، این عیناً همان چیزی است که اتفاق افتاده - و اینکه بُعد دیگری که معطوف به شکل است و بُعد مادی ما را شکل می‌بخشد، چیزی به جز اندیشهٔ خداوند نیست.

در رؤیاهای عارفان، فرآیند آفرینش وقتی آغاز شد که خداوند شروع به اندیشیدن کرد - یعنی زمانی که اندیشه‌ها از ذهن خداوند موجی پس از موجی دیگر، تجلی آغاز کردند. بدین‌گونه که موجی پس از موجی دیگر در ساحل پراکنده می‌شود، قله‌سنگ‌های روی ساحل را صاف می‌کند، پس امواج پی در پی اندیشهٔ خداوند، نخستین ماده را ساخت.

۱. «همهٔ پریانی که گام او را می‌پیمایند، با این شب‌نم کشتزار متبرک می‌شوند...» سخن آبرون در نمایشنامهٔ رؤیای نیمه‌شب تابستان (پردهٔ ۷، صحنهٔ ۳). در فصل‌های بعد، ما غوطه‌ور شدن شکسپیر و دیگر نویسندگان بزرگ در این قلمرو اندیشه را بررسی خواهیم کرد.

اکنون دقیق بنگرید به این رؤیای عرفانی رویدادها، با تخیل بنگرید، آنگاه می‌توانید ببینید که این امواج تفکر عملاً از میلیون‌ها فرشته، تشکیل شده‌اند. نخستین موج از فرشتگان عظیم‌الجثه تشکیل شده که کل کیهان را پر می‌کنند. بعد موج فرشتگان کِهتر می‌آید که بزرگ‌ترین فرشتگان در آفریدن آن کمک کرده‌اند، و آنها با هم موج سوّم فرشتگان کِهتر را پدید می‌آورند. این توالی جریان دارد تا اینکه ما سرانجام به موجودات معنوی بسیار خُرد می‌رسیم. آنها کاری می‌کنند که درهم تنیده شوند و به صورت چیزی درمی‌آیند که ما آن را به صورت مادّه پیرامون خود می‌بینیم، یعنی کوه‌ها، سنگ‌ها و درختان.^۱

برابری اندیشه‌های خداوند با فرشتگان ممکن است عجیب به نظر برسد. این روزها ما به این سمت گرایش داریم که مفهوم نازلی از تفکراتمان داشته باشیم و آنها را چیزهای انتزاعی می‌پنداریم که در کل به سختی وجود دارند. اما شیوه نگرش قدیمی‌تر و شاید درخشان‌تری به اندیشه‌هایی وجود دارد که از ادیان بزرگ برمی‌آید. این شیوه،

۱. روایت ایده‌آلیسم از نظام‌های متفاوت موجودات معنوی که از «اندیشه بزرگ کیهانی» متجلی می‌شود تا کیهان مادّی را شکل بخشد، تجلّی‌گرایی نامیده می‌شود که سرچشمه‌اش دست‌کم به دین اولیه مصری‌ها می‌رسد. مصریان باستان خدایان یا نته‌روها (neteru)ی خود را همچون نمودگارهای اصول زایای طبیعت می‌پنداشتند که با هم عمل می‌کردند تا طبیعت را شکل بخشند. یکی از روایات نخستین تجلّی‌گرایی در مکتب هرمنس آمده است. این مکتب کیهان را به مثابه تجلّی زنده الوهیت عرضه کرد که با لایه‌های پیچیده و کاملاً متمایز تجلّی درهم تنیده‌اند. اکنون به نحو گسترده‌ای پذیرفته‌اند که این نوشته‌ها، یا دست‌کم عقایدی که در آنها مکنون است، احتمالاً از حلقه‌های کاهنان مصر سرچشمه گرفته‌اند، و اسنادی که ما در دست داریم ممکن است به قلم کاهنان در تبعید نوشته شده باشد پس از آنکه مکاتب سِری ممنوع شده بودند.

دیگر شکل‌های تجلّی شامل روایت قبّاله از سفیروث (sepiroth) و روایت نظام‌های متفاوت موجودات معنوی توسط فلوطین نوافلاطونی است. همچنین آن را می‌توان در روایت نظام‌های متفاوت فرشتگان پوُلُس قدیس و به طرز کامل توسط پیرو او دیونیزوس آرئوپاگیت (Areopagite) یافت که روایتی کهن از نظام‌های فرشتگان در سنت مسیحی است. برای یک روایت مشابه از نظام‌های متفاوت که از خردورزان زولوی آفریقا در سده بیست میلادی، بنگرید به «خرد باستان در آفریقا» اثر پاتریک باون (Patrick Bowen) در *مطالعاتی در دین تطبیقی*، جلد ۳، ش ۲، بهار ۱۹۶۹، ص ۱۱۳-۱۲۱. برای روایت ماجرای «نمایش در آسمان» بدان گونه که به شکل همانند در سنت‌های مسیحی-گنوسی، قبّاله اسحق لوریه و عرفان شیعی اسماعیلی ظاهر می‌شود، بنگرید به «عنصر نمایشی مشترک در کیهان‌شناخت‌های گنوسی ادیان صاحب کتاب» اثر هانری کُربن، از سلسله *دفترهای دانشگاه یوحنا قدیس اورشلیم*.